

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۱۸ سپتمبر ۲۰۲۱

شانزدهمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

شانزدهمین جلسه رسیدگی به اتهامات حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج و از متهمان اعدام دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در ایران، روز پنج‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱ در ستکهلم سویدن، ادامه یافت. مهدی اسحاقی، زندانی سیاسی سابق، درباره نقش این عنصر جمهوری اسلامی در اعدام‌های دهه شصت جان سالم بدر برده، وضعیت زندان و زندانیان گوهردشت و برگزاری دادگاه‌های مرگ شهادت داد. در شانزدهمین جلسه رسیدگی به اتهامات او مهدی اسحاقی اعلام کرد که حمید نوری را شناسائی کرده است. مهدی اسحاقی، در جلسه روز پنج‌شنبه ضمن معرفی خود گفت که در سال ۱۳۶۱ زمانی که دانش‌آموز چهارم دبیرستان بوده بازداشت و ۱۰ سال بعد آزاد شده است. محسن اسحاقی، برادر او پیش از این، در چهاردهمین جلسه رسیدگی به اتهامات حمید نوری شهادت داده و برادر دیگر او به‌نام منوچهر نیز قرار است در جلسات بعدی شهادت بدهد. اسحاقی از جمله شاهدانی است که حکم کتبی دادگاه انقلاب را به دادگاه ستکهلم ارائه داده و گفته است که این حکم را سال‌ها در دسته ساک خود جاسازی کرده و به عنوان مدرک به همراه داشته است. اسحاقی شهادت داد که دو بار توسط حمید نوری مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود؛ یک بار به دلیل تمسخر شعری منسوب به آیت‌الله خمینی که از رادیو پخش شد. اسحاقی گفت، طی این اتفاق، کارت شناسائی حمید نوری از جیب او به زمین افتاد و او متوجه درج اسم حمید عباسی به جای حمید نوری بر روی کارت شناسائی شد. شاهد گفت، او را به‌دلیل تمسخر شعر آیت‌الله خمینی حدود پنج ماه در سلول انفرادی حبس کردند. وی همچنین افزود که در طول سال‌های زندان سه بار به «اتاق گاز» برده شد. شاهد درباره ویژگی زندان‌ها در ایران گفت زندان باز، زندان بسته، و زندان نیمه بسته وجود دارد. اسحاقی از قزل‌حصار به‌عنوان «زندان باز» و از زندان گوهردشت به‌عنوان «زندان بسته» نام برد؛ زندانی که فضای محدودی برای هواخوری دارد و به گفته او «ممکن است حتی یک کلاغ هم از فراز آن عبور نکند». مهدی اسحاقی که به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، یک بار اواسط مرداد ۶۷ در برابر هیات مرگ به ریاست حسینعلی نیری قرار گرفت. او با نوشتن انزجارنامه نسبت به سازمان مجاهدین و قبول مصاحبه از اعدام رهایی یافت. شاهد در برابر این سؤال دادستان که چرا انزجارنامه را امضاء کردید؟ پاسخ داد: «برای این که می‌خواستم زنده بمانم. برای این که خودم را دوست داشتم. برای چه باید کشته می‌شدم؟»

زمانی که اسحاقی در بخشی از شهادتش از آیت‌الله خمینی به‌عنوان «جلاد و خون‌خوار» نام برد، حمید نوری با اعتراض واکنش نشان داد و گفت: «توهین نکنید.» به دنبال این موضوع بود که قاضی از شاهد خواست از کلمات نامناسب استفاده نکند، اما درخواست او با تذکر بندگت هسل بری، وکیل اسحاقی، مواجه شد. او به قاضی گفت شاهدان دادگاه باید در بیان شهادت‌شان آزاد باشند. قاضی نیز این تذکر را پذیرفت.

وکیل مدافع شاهد یک‌بار هم به حمید نوری تذکر داد که به شاهدان خیره نشود. این تذکر با واکنش توماس سودرکوئیست، وکیل مدافع نوری، همراه بود. او گفت قاضی اجازه چنین کاری را به نوری داده است.

از آغاز شهادت‌ها در دادگاه تاکنون تقریباً تمامی شاهدان اشاره کرده اند که حمید نوری در جریان شهادت، چشم در چشم به آن‌ها خیره می‌شود و گاهی چشمک می‌زند. آن‌ها معتقدند متهم سعی می‌کند با چنین کارهایی آن‌ها را وادار به عکس‌العمل کند.

شاهد درباره احساس خود در مواجهه با حمید نوری در دادگاه گفت: «من هنوز هم که هنوز است باورم نمی‌شود که جای ما عوض شده است و او است که دارد محاکمه می‌شود. من هیچ وقت تصور این را نمی‌کردم، و من در جایی نشسته‌ام که همه دوست دارند بشینند. من از خشونت و انتقام متنفرم؛ ولی اعتقاد دارم که هر چه قدر می‌کارید باید همان‌قدر هم درو کنید.»

شاهد که اکنون به عنوان «درمان‌گر اجتماعی» در آلمان کار می‌کند، به دلیل آسیب‌های روحی زندان به مدت ۱۸ ماه هر هفته به مشاور و روان‌پزشک مراجعه می‌کرد.

او از ارائه کتبی احکام به زندانیان به‌عنوان «خطائی» نام برده که دادگاه انقلاب اوایل انجام می‌داده و بعدتر تلاش کرده که از زندانیان پس بگیرد.

اسحاقی در ادامه به جریان انتقالش از زندان قزل‌حصار به زندان گوهردشت اشاره کرد و از این زندان به‌عنوان زندان «بسته» نام برد: «زندانی در سلولش هیچ راهی به بیرون ندارد، در هواخوری هم فضای محدودی در اختیار اوست و حتی یک کلاغ هم ممکن است از فراز سرش نگذرد.»

اسحاقی به اعتراض تعدادی از زندانیان به وضعیت زندان گوهردشت اشاره کرد و گفت که محمد مقیسه، معروف به ناصریان در واکنش گفته بود که «هر کس ناراحت است بیاید بیرون.»

اسحاقی در ادامه گفت که حدود ۶۵ نفر رفتند توی صف ایستادند که خیلی‌هایشان اعدام شدند.

محمد مقیسه یکی از قضات بدنام جمهوری اسلامی است که به صدور احکام اعدام و حبس طولانی‌مدت برای فعالان مدنی و سیاسی مشهور است.

اسحاقی در شرح برگزاری جلسه دادگاه خود نیز گفت که پس از آن که با چشم‌پند وارد جلسه شده، محمد مقیسه حضور داشته و مانند زمان بازجویی سؤالاتی از او پرسیده شده از جمله این که از چه زمانی «منافق» شده است.

اسحاقی ادامه داد وقتی در پاسخ به این پرسش گفته که هیچ وقت «منافق» نبوده، یک نفر دیگر که در جلسه حضور داشته، گفته است: «این‌ها منافق نیستند، سگ‌منافقند.»

در ادبیات جمهوری اسلامی، از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران به عنوان منافق یاد می‌شود.

این زندانی سیاسی درباره ادامه روند دادگاه گفت که پس از آن که تعهد کلامی داده که ندامت‌نامه بنویسد و در صورت درخواست دادگاه، حاضر به مصاحبه با مسجد محله، هم‌محلی‌ها و صداوسیما شود، به وی ندامت‌نامه‌ای داده‌اند که امضاء کند.

اسحاقی همچنین درباره برخورد با حمید نوری گفت که او را در «راهروی مرگ» دیده و می‌گوید که ناصریان اولین بار با نوری آمده و او را به‌عنوان یکی از افراد مسؤول در دادیاری به زندانیان معرفی کرده است. وکیل حمید نوری مدعی است که موکلش در زمان اعدام‌ها در مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ به خاطر تولد فرزندش در مرخصی بوده است.

بخش‌هایی از سخنان مهدی اسحاقی در دادگاه محاکمه حمید نوری: حمید نوری اوایل جلسه قرآن می‌خواند و با تذکر قاضی به این کار اقدام خود ادامه می‌دهد. امروز اواخر دادگاه قرار بود به زندان برگرد فریاد زد این دادگاه ساختگی است.

نوری از گفتن این که شاکی گفته خمینی جلاد بود ناراحت شد. و از شاکی مجددا پرسیدند گفته‌اش را تکرار کند. مهدی: خمینی دستور کشتار را داد و برای همین من او را جلاد خطاب کردم. زیرا واژه دیگری پیدا نمی‌کنم. قاضی: چه جوری متوجه شدید اسم رسمی حمید عباسی حمید نوری است. از سلول بیرون آمدی برای کسی تعریف کردی؟

مهدی: نه؟

قاضی: چرا نه؟

مهدی: برای این که برای من یک راز بود و می‌دانستم وقتش نیست. دلیلی هم نداشت برای کسی تعریف کنم. تا این که از زندان بیرون بیرون آمدم.

قاضی: اون موقع برای کی‌ها تعریف کردی بعد از زندان مهدی: در المان بودم که مصداقی شروع به نوشتن درباره زندان کرد. اومدم به سویدن و ایرج را ملاقات کردم و گفتم می‌دانید حمیدی عباسی کیست؟ گفت نمی‌دانم. گفتم حمید نوری می‌شناسم و برای وی تعریف کردم.

قاضی: یادتان می‌آید از نظر زمانی کی بود؟

مهدی: شاید ۲۰۰۴. اصرای بر تاریخش ندارم.

قاضی: به غیر از ایرج به کسی دیگری گفتید؟

مهدی: نه به اعضای خانواده‌ام گفتم.

قاضی: چرا برای دیگران تعریف نکردید؟

مهدی: دلیلی برای تعریف نداشت. به ایرج گفتم چون که وی درباره زندان می‌نوشت. البته ایرج به من گفت چرا خودت نمی‌نویسی؟ گفتم توانایی‌اش را ندارم.

قاضی: این همان حمید عباسی است که در گورهدشت دیدید؟

مهدی: بلی.

قاضی: از کجا این قدر مطمئن بودید؟

مهدی: ما سال‌ها در کنار هم بودیم. کس دیگری در کنار ما غیر از زندانی و زندانبان و دادیار نبود. شاید خواب‌های ما هم شبیه هم باشند.

قاضی: اولین بار کی متوجه شدید در سویدن تحقیقاتی مقدماتی درباره نوری انجام می‌گیرد؟

مهدی: ۲۰۱۹

قاضی: چه‌طوری؟

مهدی: من یکبار باز هم به سویدن آمدم و ایرج را در یک مهمانی دیدم. وی به من گفت که مردم یک جوری به شما بدهکارند. من به ایرج گفتم منظور چیست؟ گفت صدایش بعدا در می‌آید. همسر مصداقی گفت: ایرج بهش بگو. ایرج گفت نه الان وقتش نیست. من هم کنجکاوای نکردم. تا این که چند هفته بعد ایرج با من تماس گرفت و گفت یک خبر خوش: گرفتیم. گفتم: کی را گرفتیم؟ گفت: حمید عباسی و حمید نوری را. من باورم نمی‌شد. من با شنیدن این خبر شادی و غم و درد را یکجا حس کردم. تمام آن تصاویر زشت دیوار به ذهنم آمد. احساسی که نام برایش پیدا نمی‌کنم. برادر من پرسید قیافه عباسی یادت است؟ برادرم عکسی از واتساپ پیدا کرد و به من فرستاد. من آن را شناختم و به برادرم گفتم من ایشان را می‌شناسم. گفت کیه؟ گفتم حمید نوری.

قاضی: چه عکسی بود؟

مهدی: فقط از صورت نوری بود.

قاضی: باز هم دیدید؟

مهدی: نه

قاضی: من دیدم موقع حرف زدن به نوری نگاه می‌کنید؟

مهدی: این حس را نمی‌توان توصیف کرد. من باورم نمی‌شود که جای من عوض شده است. او محاکمه می‌شود. من جانی نشسته‌ام که حمید دوست دارد این‌جا بنشیند. من از انتقام متفرم. اما به این مسأله باور دادم که هر کس جزای خود را خواهد کشید.

قاضی: مهدید بازجویی از شما تمام شد تشکر می‌کنیم که آمدید این‌جا و شهادت دادید.

مهدی: من هم از شما تشکر می‌کنم.

فردا جمعه ساعت ۹ به جلسه ادامه می‌دهیم.

وکلای مدافع حمید نوری مانند جلسات قبلی دادگاه تلاش کردند با مقایسه موارد شهادت امروز شاهد در دادگاه با روایت هایش در بازپرسی‌های پولیس، از جمله زمان و محل وقوع حوادث در زندان، نظر دادگاه را به موارد اختلاف بین روایت ها جلب کنند.

در حالی که دادگاه حمید نوری در ستهلم در جریان است سازمان عفو بین‌الملل، روز چهارشنبه ۲۴ شهریور-۱۵ سپتامبر، در یک بیانیه مطبوعاتی، مقامات جمهوری اسلامی ایران را نسبت به عدم پاسخگویی درباره مرگ دستکم ۷۲ فردی که از ژانویه ۲۰۱۰ در بازداشتگاه‌های جمهوری اسلامی ایران جان خود را از دست دادند، مورد انتقاد قرار داد. در این بیانیه به مرگ یاسر منگوری، جوان ۳۱ ساله، که در روز ۱۷ شهریور توسط مسئولان وزارت اطلاعات در ارومیه به خانواده وی گزارش شد، به‌عنوان تازه‌ترین شاهد اشاره شده است.

عفو بین‌الملل، نهاد جهانی مدافع حقوق بشر، در بیانیه‌ای، فهرستی از اسامی افرادی که در حین بازداشت در بازداشتگاه‌های جمهوری اسلامی ایران جان خود را از دست دادند، منتشر کرده است.

در این بیانیه تاکید شده است: این نهاد جهانی مدافع حقوق بشر، به اسامی دستکم ۷۲ فردی که از ژانویه ۲۰۱۰ در بازداشتگاه‌های ایران جان خود را از دست دادند، دسترسی دارد.

در بیانیه عفو بین‌الملل، ضمن انتقاد از عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مقامات جمهوری اسلامی ایران در مورد مرگ دستکم ۷۲ نفر در حین بازداشت، از ژانویه ۲۰۱۰، آمده است: «یک دهه مرگ در حین بازداشت بی‌عقوبت مانده است.»

عفو بین‌الملل با تاکید بر «استمرار مصونیت سازمان‌یافته برای مرتکبان شکنجه از هرگونه عقوبت و مجازات»، نسبت به مواردی از «گزارش‌های موثق درباره شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها، استفاده مرگبار از سلاح گرم و گاز اشک‌آور توسط مقامات جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با افراد بازداشت‌شده»، تصریح کرده است.

در این گزارش آمده است: ده‌ها مورد مرگ در بازداشت که گمان می‌رود با محرومیت از مراقبت‌های پزشکی در ارتباط هستند، شامل این فهرست نمی‌شود و عفو بین‌الملل در حال بررسی آن دسته از موارد مرگ است که در حین بازداشت رخ داده است.

عفو بین‌الملل در نموداری آمار مرگ‌های حین بازداشت به تفکیک فاصله بین زمان دستگیری و مرگ را ترسیم کرده و تصریح می‌کند: از ۴۶ مورد مرگ در بازداشت که با گزارش‌های شکنجه فیزیکی یا بدرفتاری‌های دیگر فیزیکی در ارتباط هستند، دست‌کم ۳۶ مورد در مرحله تحقیقات میدانی رخ داده‌اند.

در بیانیه عفو بین‌الملل یادآوری شده است: «از آن زمان تاکنون حتی یک نفر از مقامات یا مأموران به خاطر این مرگ‌ها مسؤول شناخته نشده و این امر نشان‌دهنده سابقه دیرینه جمهوری اسلامی ایران در مصون نگه‌داشتن مرتکبان قتل از مجازات است.»

در اطلاعات ارائه شده از سوی عفو بین‌الملل به سن دقیق یا تقریبی افراد جان‌باخته در بازداشت اشاره شده و آمده است: اطلاعاتی در مورد سن دقیق یا تقریبی ۳۶ نفر از ۴۶ زندانی که ادعا شده تحت شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها جان باخته‌اند، در دسترس است.

بر اساس اطلاعات سازمان عفو بین‌الملل، «۱۶ نفر در دهه بیست زندگی، ۱۲ نفر در دهه ۳۰ زندگی و سه نفر در سنین ۱۸ تا ۲۰ سال» جان خود را بر اثر اعمال شکنجه یا سوءرفتار در دوران بازداشت از دست داده‌اند.

این گزارش می‌افزاید: اکثر جانب‌باختگان، بعبارتی ۲۸ نفر از این افراد، تنها چند روز پس از دستگیری جان خود را از دست دادند. یک نفر نیز بلافاصله پس از دستگیری و پیش از انتقال به بازداشتگاه جان باخته است.

همین گزارش به موارد مرگ بر اثر تفکیک مکان‌های بازداشت اشاره کرده و آورده است: بر اساس گزارش‌ها، ۹ نفر در بازداشتگاه‌های پولیس آگاهی، ۱۱ نفر در بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات، ۲ نفر در بازداشتگاه‌های کلانتری، دو نفر در اردوگاه‌ها یا پاسگاه‌های مرزی، یک نفر در بازداشتگاه‌های پولیس فتا و یک نفر نیز در بازداشتگاه‌های تحت کنترل سازمان اطلاعات سپاه پاسداران جان خود را از دست دادند.

این نهاد مدافع حقوق بشری، به انتشار تصاویر ویدیویی از بدرفتاری در زندان اوین نیز اشاره کرده و یادآوری کرده است: «تنها چند هفته پیش بود که فیلم ویدئویی که از زندان بدنام اوین فاش شد، که شواهد نگران‌کننده‌ای از ضرب و شتم، آزار جنسی و سایر بدرفتاری‌های زندانیان توسط مقامات زندان را به دست داد.»

مرگ یاسر منگوری، جوان ۳۱ ساله که توسط مسؤولان وزارت اطلاعات در ارومیه به خانواده وی در روز ۱۷ شهریور گزارش شده است، بنا بر اعلام سازمان عفو بین‌الملل تازمترین مورد ثبت شده است که بیش از پیش افشا می‌کند در شرایط مشکوک، چگونه فضای حاکم مصونیت از مجازات، نیروهای امنیتی را بیش از پیش، نسبت به عدم پاسخگویی و ترس از عواقب نقض حقوق زندانیان، تشجیع می‌کند.

هبا مورایف، مدیر دفتر خاورمیانه و شمال آفریقا در عفو بین‌الملل درباره مرگ یاسر منگوری گفته است: «اخبار دیروز در مورد مرگ یاسر منگوری در شرایط مشکوک بار دیگر نشان می‌دهد که چگونه جو مصونیت از مجازات دست نیروهای امنیتی را باز گذاشته تا حق حیات زندانیان را بدون ترس از عقوبت نقض کنند.»

این مقام سازمان عفو بین‌الملل، «امتناع سیستماتیک مقامات از انجام هرگونه تحقیقات مستقل در مورد مرگ‌های حین بازداشت» را «نشانه تلخی از عادی‌سازی نقض خودسرانه حق زندگی توسط مقامات حکومتی» برشمرده است. از سوی دیگر روز پنج‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۰، سید ابراهیم رئیسی، عضو هیات مرگ پیش از ترک تهران به مقصد دوشنبه در فرودگاه مهرآباد گفت: «سفر تاجیکستان به دعوت آقای رحمان برای شرکت در اجلاس شانگهای صورت می‌گیرد.» رئیسی در ادامه افزود: «ما برای همکاری‌های منطقه‌ای اهمیت زیادی قائل هستیم. ما با تاجیکستان ارتباطات سیاسی و اقتصادی داشته و داریم اما این روند دچار وقفه‌ای شد که ما در این سفر فصل جدیدی را رقم خواهیم زد. قراردادهایی در این سفر از جمله قراردادهای حقوقی و اقتصادی امضا خواهد شد.» قرار بود در حاشیه اجلاس شانگهای رئیسی با پوتین هم دیدار و گفت‌وگو کند اما رئیس‌جمهوری روسیه قرنطینه را بهانه کرد و از دیدار با رئیسی سر باز زد. پوتین پیش از این از دیدار با محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی هم خودداری کرده بود.

هفدهمین جلسه دادگاه حمید نوری جمعه ۲۶ شهریور با شهادت علی‌اکبر بندلی، زندانی پیشین و از هواداران سازمان مجاهدین خلق، برگزار خواهد شد.